

تحلیل جامعه‌شناختی نقش عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست محیطی شهری مورد مطالعه (شهروندان شهر کرمانشاه)

داریوش احمدیان^۱ منصور حقیقتیان^۲

چکیده

در قرن حاضر، رفتارهای زیست محیطی به عنوان یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین عوامل بر محیط زیست مورد توجه بسیاری از جامعه‌شناسان محیط زیست قرار گرفته است. رفتارهای زیست محیطی ضمن اینکه بر بیشتر مسائل و تهدیدهای زیست محیطی تأثیر می‌گذارند خود نیز از عواملی تأثیر می‌پذیرند. پژوهش حاضر با هدف شناخت میزان تأثیر عوامل فرهنگی بر رفتارهای زیست محیطی مسئولانه انجام گرفته است. چارچوب نظری تحقیق، نظریه کنش معقولانه آیزن و فیش‌بین، مدل فیتکائو و کسل و مدل اولاندر و توجرسون است. جامعه‌ی آماری شامل شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کرمانشاه بوده که بر طبق فرمول کوکران و با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای تعداد ۴۱۰ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شده‌اند. این تحقیق با رویکرد کمی و با روش پیمایش انجام شده و ابزار گردآوری داده، پرسشنامه بوده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که میانگین رفتارهای زیست محیطی شهروندان متوسط رو به بالا (۳/۱) است و بین متغیرهای ارزش، باور و آگاهی‌های زیست محیطی با رفتار زیست محیطی رابطه‌ی معنا داری وجود دارد در حالی که متغیر تحصیلات با آن رابطه نداشت. همچنین رفتارهای زیست محیطی برحسب جنسیت، تاهل و گروه‌های سنی متفاوت است. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان می‌دهد متغیرهای مستقل تحقیق ۰/۱۳ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. در یک نتیجه‌ی کلی می‌توان گفت که عوامل فرهنگی در واقع می‌توانند پیش‌بینی‌کننده‌ی سیاست‌های ترویج رفتارهای زیست محیطی مسئولانه باشند.

کلیدواژه‌ها: رفتار زیست محیطی، آگاهی زیست محیطی، ارزش محیط زیستی، باور زیست محیطی، کرمانشاه.

مقدمه و بیان مسأله

امروزه رفتارهای زیست محیطی انسان، به عنوان یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین عوامل مؤثر بر محیط زیست، مورد توجه بسیاری از پژوهشگران و محیط گرایان قرار گرفته است (عقبلی و همکاران، ۱۳۸۸: ۲). متأسفانه ایران در رعایت شاخص‌های پایداری محیط زیست، توسعه‌ی پایدار و کیفیت زندگی همواره رتبه‌های پایین جداول جهانی را به خود اختصاص داده است؛ جایگاه کشورمان در جدول شاخص‌های پایداری محیط زیست در سال ۲۰۰۵ رتبه ۱۳۲ در میان ۱۴۶ کشور بوده است. از جمله نمونه‌های دیگری که بتوان ادعا کرد که آژیر خطر در محیط زیست به صدا درآمده است عبارتند از: کاهش سطح جنگل‌ها طی ۳ دهه از ۲۱ میلیون هکتار به ۱۴ میلیون هکتار و مقایسه سهم سرانه ۲ درصد هکتاری هر ایرانی در مقایسه با ۸ درصد هکتار سرانه‌ی جهانی، تقلیل متوسط سرانه‌ی آب قابل تجدید از ۷۰۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۴۰، به ۲۱۰۰ متر مکعب در سال ۱۳۷۶ و پیش بینی آن در حد ۱۳۰۰ متر مکعب تا سال ۱۶۰۰ و ورود ایران به مرحله‌ی تنش آبی، خسارات ناشی از آلودگی هوا بالغ بر ۸ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۶ میلادی که در صورت ادامه روند فعلی این خسارت در سال ۲۰۱۶ میلادی به ۱۶ میلیارد دلار می‌رسد. فرسایش خاک ۲ میلیارد تنی سالانه که سه برابر متوسط آسیاست و معادل تخریب یک میلیون هکتار زمین کشاورزی است، رتبه‌ی ۱۳ تولید گازهای گلخانه‌ای در بین کشورهای جهان (نواح و فروتن کیا، ۱۳۹۰: ۶۹). علاوه بر این، محیط زیست شهری نیز وضعیت مطلوبی ندارد. آلودگی ناشی از پساب‌ها و فاضلاب صنعتی کارخانجات شامل فلزات سنگین مانند جیوه، آرسنیک، سرب و روی طی زنجیره‌های غذایی انباشته می‌شود و جان بسیاری از موجودات زنده و نیز انسان‌ها را تهدید می‌کند. از سوی دیگر، اثرات فعالیت‌های انسان بر خاک از طریق تخلیه یا دفن زباله‌ها، نخاله‌های ساختمانی و پسماندهای خطرناک و سمی در اراضی دفن زباله و دشت‌های پیرامون شهری به مسمومیت خاک و فرسایش آن منجر شده است. افزون بر این، کیفیت هوا توسط گازهای شیمیایی سمی که غالباً حاصل واکنش‌های سوختن است دستخوش آلودگی جدی شده و در نتیجه انتشار ناشی از آگروز وسایل حمل و نقل شهری، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی به صورت دی اکسید کربن که یکی از مهم ترین گازهای گلخانه‌ای مؤثر بر گرمایش زمین است مورد تهدید جدی قرار گرفته که اولین پیامد آن تشدید اثرات نامطلوب بر سلامتی انسان و عناصر محیط زیست است (فرهمند و همکاران، ۱۳۹۲: ۲). بنابراین هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که پیدایش چنین آسیب‌های مخربی نتیجه‌ی برخی از فعل و انفعالات طبیعی و مستقل از اراده‌ی انسان است. اشتباهاتی که در افکار، نگرش و رفتارهای انسان در نتیجه‌ی فعالیت هایش روی کره زمین به وجود آمده، یکی از علل اصلی خساراتی است که محیط زیست متحمل آن گردیده است (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱: ۹۳). آمارهای فوق نشان می‌دهند که جامعه‌ی ایران در پدیده محیط زیست با مشکلات فراوانی مواجه است. این مشکلات در دو بعد ساختاری و کنشی قابل بررسی است. در بعد ساختاری، دولت و اقدامات آن

سبب تخریب محیط زیست می‌شود و علت اصلی بحران زیست محیطی سیاست‌های غلط دولت مردان است که بررسی آن مجال دیگری می‌طلبد و از دامنه این مقاله خارج می‌باشد. اما بعد دیگر بحران محیط زیست، رفتارهای زیست محیطی شهروندان است. در این بعد که بر رفتارها و تعاملات انسان‌ها با محیط زیست و در واقع رفتار نامطلوب زیست محیطی توجه دارد، با اندکی تأمل متوجه می‌شویم رفتارهای نامطلوب زیست محیطی در جامعه‌ی ایران از حالت فردی خارج و تبدیل به مسأله اجتماعی شده است. عدم حساسیت نسبت به محیط زیست، استفاده بی‌رویه از انرژی در منازل، استفاده از لوازم یک بار مصرف، استفاده از وسایل نقلیه شخصی، استفاده از انواع آفت کش‌ها، دفع مواد زائد به روش غیر بهداشتی، ریختن زباله در معابر عمومی، پارک‌های جنگلی و پارک‌های سطح شهرها، جمع‌آوری و عدم تفکیک زباله به منظور بازیافت و بسیاری از رفتارهای مخرب زیست محیطی دیگر همگی نشان از رفتارهای نامطلوب زیست محیطی است. اجتماعی بودن انسان ایجاب می‌کند همواره دارای کنش متقابل با هم‌نوعان خود باشد؛ کنش و رفتاری که به ناچار باید در یک بستر و محیط مشترک شکل گیرد. از این رو، تک تک افراد جامعه چه به شکل فردی و چه به صورت جمعی با محیط اطراف خود تعامل دارند اما مدتهاست که انسان با نام پیشرفت به دست تکنولوژی، تعامل میان خود و طبیعت را به اعتراض تبدیل کرده است. این مسأله باعث مشکلات زیست محیطی جهانی درباره‌ی منابع طبیعی، آلودگی هوا و افزایش رشد جمعیت شده و زندگی مردم را با چالش جدی مواجه ساخته است (نواح و فروتن کیا، ۱۳۹۰: ۶۹). بروز بحران‌های زیست محیطی هر روز بر این آگاهی می‌افزاید که نمی‌توان مانند گذشته به مصرف منابع جهان ادامه داد و نشانه‌های تنگناهای زیست محیطی در همه جا آشکار شده است. ادغام تغییرات سریع در محیط داخلی و جهانی با تغییر رفتار انسان در رابطه با مکان زندگی و چگونگی زندگی در آن مکان، اهمیت مطالعه‌ی رفتارهای زیست محیطی را افزایش می‌دهد. مطالعه‌ی رفتارهای زیست محیطی از قرن ۲۰ به بعد مورد توجه بیشتری قرار گرفت. برای مثال، دانلپ و همکاران تعداد قابل توجهی از تغییرات در مورد محیط زیست و تاثیر فعالیت‌های انسانی بر روی آن را بررسی کرده و به این نتیجه رسیده‌اند که رفتار مسئولانه زیست محیطی یکی از عناصر کلیدی در فرایند توسعه پایدار محیط زیست در جوامع مدرن و در حال توسعه است که دولت‌ها باید طرح و برنامه‌ای برای حفاظت از محیط زیست در مقیاس‌های مختلف برای کاهش تهدیدها و مخاطرات زیست محیطی تدوین نمایند و مردم برای اجرای طرح و برنامه‌های تدوین شده همکاری کنند (صالحی، ۲۰۱۰). در طول چهل سال گذشته نظریه‌ی اجتماعی - فرهنگی دارای تاثیر مهمی در مطالعات زیست محیطی از نقطه نظر این که سیستم‌های اعتقادی گسترده‌تر چگونه نگرش انسان‌ها نسبت به طبیعت و محیط زیست را سازماندهی می‌کنند داشته است. این رهیافت نظری به ارزش‌ها، ایده‌ها و جهان بینی‌های مردم درباره‌ی محیط زیست و نحوه‌ی بهره‌برداری از آن اشاره دارد. مثلاً تا پیش از دهه‌ی ۱۹۶۰ و به طور عمده پیش از دهه‌ی ۱۹۷۰ تفکرات ضد اکولوژیکی و پارادایم معافیت بشر بر افکار و نگرش مردم

حاکم بود و رشد اقتصادی اولویت اول را داشت اما با بروز مشکلات زیست محیطی ناشی از دخالت و بهره برداری ناصحیح انسان‌ها، به تدریج پارادایم نظری حاکم تغییر یافت و پارادایم‌های طبیعت محور و محیط زیست گرا ظهور کردند. این الگوهای نظری حاکی از این مسأله بودند که چرا و چگونه مردم باید نگرش و رفتارهایشان را در برابر محیط زیست تغییر دهند. یکی از عوامل بسیار مهمی که در رفتارهای زیست محیطی تأثیر گذار است، فرهنگ مردم یک جامعه است. فرهنگ نقش اساسی در جریان کنش‌های روزمره دارد. فرهنگ حفظ محیط زیست تمام آگاهی، باورها و ارزش‌ها را در رابطه با محیط زیست در برمی گیرد. فرهنگ حفظ محیط زیست درست رفتار کردن را می‌آموزد. اگر فردی به بینش صحیحی از شیوه‌ی رفتارش و ضرور و زیان خود و جامعه اش برسد و به درستی تشخیص دهد که مطلوب ترین عمل کدام است، آنگاه سلامت فرهنگی و اجتماعی در جامعه را می‌توان دید (مهدوی و وزیری، ۱۳۸۹: ۲۱). اگر بتوان فرهنگ را با ساز و کارهای مناسب در شهروندان نهادینه کرد، می‌توان انتظار داشت که آنان نسبت به محیط زیست حساس باشند، از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنند، زباله هایشان را تفکیک کنند، در مصرف انرژی منطقی عمل کنند و بسیاری از رفتارهای دیگر را که به حفظ محیط زیست کمک می‌کند را انجام دهند. برای ترویج و توسعه رفتارهای مطلوب زیست محیطی، در راستای محافظت از منابع طبیعی و محیط زیست، باید نحوه رفتارها و روش زندگی انسان‌ها در طبیعت تغییر یابد.

کرمانشاه دومین شهر پرجمعیت در غرب کشور، پس از تبریز است که به علت تمرکز اداری، سیاسی، خدماتی، درمانی، رفاهی، آموزشی، فرهنگی، به عنوان قطب جذب و شهر مسلط حوزه‌ی نفوذ بسیار وسیعی دارد و بر اثر رشد طبیعی جمعیت و مهاجرت‌های شدید روستایی و شهری، بخصوص مهاجران جنگ تحمیلی، جمعیت آن همچنان رو به افزایش است (شمس و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۰). همراهی این امر با فرایند صنعتی شدن، به طور مداوم بر گستره‌ی فضای آن افزوده (قرخلو و فرجام، ۱۳۸۰: ۴۸)، بویژه طی دهه‌های اخیر رشدی شتابان، لجام گسیخته و بی‌قواره داشته که موجب توسعه‌ی ناپایدار شهری آن شده است. در دهه‌های اخیر عدم توجه به اثرات زیست محیطی فعالیت‌های مختلف صنعتی، خدماتی و تولیدی مهم ترین عوامل تهدید کننده‌ی محیط زیست انسانی و طبیعی در استان بوده است. گزارش نهادهای رسمی در کرمانشاه مبنی بر خشکی و کم آبی تالاب‌ها در اثر برداشت‌های بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، تخریب عرصه‌های طبیعی، تبدیل رودخانه‌ها به فاضلاب خانه در اثر رفتارهای غیر مسئولانه، تعطیلی تعدادی از کارخانه‌ها، صنایع و ایستگاه‌های سوخت توسط سازمان محیط زیست به دلیل عدم رعایت استانداردها، شکار حیوانات بومی منطقه، آتش سوزی در جنگل‌ها و مراتع، استفاده‌ی بی‌رویه از خودروهای فرسوده و شخصی باتوجه به پیامدهای زیست محیطی آن، مصرف بیش از حد آب، برق و گاز در ساعات اوج مصرف و... از دیگر معضلات زیست محیطی جامعه‌ی مورد مطالعه است. مشکلات و مسائل اشاره شده و از طرفی فقدان داده‌ای سیستماتیک در این

خصوصاً، ضرورت پژوهش در این زمینه را فراهم کرده است. بنابراین پژوهش حاضر در نظر دارد با رویکرد جامعه شناختی به بررسی آن دسته از عوامل فرهنگی بپردازد که می‌توانند در ترویج رفتارهای زیست محیطی مسئولانه در محیط زیست شهری موثر واقع شوند.

اهداف تحقیق

الف) هدف کلی:

شناسایی عوامل فرهنگی مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی شهری

ب) اهداف جزئی

- بررسی میزان مسئولانه بودن رفتارهای زیست محیطی شهروندان برحسب (جنسیت، تأهل، سن) - شناسایی میزان و جهت رابطه بین رفتارهای زیست محیطی با عوامل فرهنگی (آگاهی، باور، ارزشهای زیست محیطی و تحصیلات).

پیشینه‌ی تحقیق

هر پژوهش باید متکی به دستاوردهای پیشین باشد، در حالی که خود، هم سخنی تازه دارد و هم، روشهای دقیقتری در شناخت پدیده به کار می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۲: ۱۴۶). در این راستا: ضیاء پور و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی با عنوان بررسی رفتارهای زیست محیطی شهروندان کرمانشاه که با روش پیمایشی و نمونه‌ی آماری ۳۸۵ نفر از ساکنان بالای ۱۸ سال مناطق شهری و روستایی کرمانشاه انجام گرفته، نشان داده اند که رفتارهای شهروندان نسبت به محیط زیست مسئولانه و میانگین این رفتارها برحسب جنسیت متفاوت نبوده در حالی که این تفاوت برحسب سن و تأهل معنا دار بود. تحلیل همبستگی نیز نشان داد که بین تحصیلات پاسخگویان و رفتار زیست محیطی رابطه‌ی معنا داری وجود داشت. مختاری ملک آبادی و همکاران (۱۳۹۳) به تحلیل رفتارهای زیست محیطی شهری شهروندان پرداختند. این پژوهش به شیوه‌ی پیمایشی و با توزیع پرسشنامه بین افراد نمونه‌ی ای با حجم ۴۰۰ نفر در سال ۱۳۹۱ در شهر اصفهان انجام شد. افراد نمونه به شیوه سهمیه‌ی ای از جامعه‌ی آماری شهروندان بالای ۱۵ سال انتخاب شد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که رفتار زیست محیطی شهروندان مسئولانه تر بود. افراد مسن و زنان رفتارهای زیست محیطی مسئولانه تری داشتند. تحلیل رگرسیون نیز نشان داد نگرش زیست محیطی و آگاهی زیست محیطی نیز بر رفتارهای زیست محیطی تأثیر داشتند که تأثیر نگرش زیست محیطی نیرومندتر از دانش زیست محیطی بود. گوتیرز کارپ (۱۹۹۶) در بررسی خود با عنوان «ارزش‌ها و تأثیرات آن بر رفتار زیست محیطی مسئولانه» به بررسی نقش ارزش‌های شخصی در حفاظت از محیط زیست در قالب رفتارهای مصرفی مسئولانه پرداخت. در این بررسی از طیف ارزش‌های شوارتز (۱۹۹۲) استفاده شده و رفتارها در سه بعد شهروندی زیست

محیطی، فعال زیست محیطی و نیز مصرف کننده مسئول تعریف و ۳۰۲ نفر از دانشجویان رشته‌ی جامعه‌شناسی در دانشگاه واشنگتن در بهار ۱۹۹۳ در این بررسی حضور داشتند. برای تحلیل داده‌ها از تحلیل عامل استفاده شد. نتایج نشان داد که در بین ابعاد ارزش‌ها، برانگیختگی و استقلال اثر مثبتی بر سه بعد شهروندی زیست محیطی، مصرف کننده مسئول فعال محیط زیست داشت. ارزش جهان‌گرایی و خیرخواهی نیز اثر مثبتی بر چهار بعد رفتارهای مسئولانه‌ی زیست محیطی داشت. اما موفقیت و لذت طلبی و خودتوانمندی و تغییرپذیری هیچ اثری بر چهار بعد رفتاری نداشت. در مقابل خود خیرخواهی و همنوایی تاثیر منفی بر بعد فعال زیست محیطی داشت. یافته‌ی مهم این بررسی جهان‌گرایی و خیرخواهی و برانگیختگی و استقلال به عنوان پیش‌بینی کننده‌های مثبت سه بعد رفتار زیست محیطی بودند. گبیرت (۲۰۱۴) در مقاله‌ی خود با عنوان «بازیافت زباله: تأثیر دانش، نگرش و رفتار زیست محیطی» به بررسی تصورات مردم نسبت به بازیافت زباله در کرواسی پرداخت. نتایج نشان داد که نگرش کلی درباره‌ی محیط زیست به طور معنا داری بالاتر از رفتار بازیافت و نیز شناخت روش‌های بازیافت بود. این حاکی از آن بود که مردم از هزینه‌های پنهانی مدیریت ضعیف زباله آگاه هستند اما بین این نگرش‌ها و رفتار واقعی (بازیافت زباله) گسست وجود داشت که ناشی از عامل مطلوبیت اجتماعی این امر بود. بین شناخت روش‌های بازیافت و رفتار بازیافت نیز رابطه‌ی قوی و مثبت دیده شد. رفتار بازیافت بر حسب جنسیت و سطح تحصیلات متفاوت بود به این معنا که زنان مراقبت بیشتری نسبت به مردان داشتند که نگرش‌های جنسیتی را بازتاب می‌دهد. در مورد نگرش‌های زیست محیطی پاسخگویانی که تحصیلات دانشگاهی داشتند، شناخت بهتری نسبت به روش‌های بازیافت داشتند در حالی که با کاهش سطح تحصیلات این روند نیز معکوس می‌شد.

چارچوب نظری

در حوزه‌ی جامعه‌شناسی محیط زیست نظریه‌های مختلفی برای تحلیل اجتماعی رفتارهای زیست محیطی شکل گرفته اند (از جمله نظریه‌ی جامعه‌ی مخاطره آمیز بک، نگرش نوین زیست محیطی دنلپ و ون لایر، ارزش‌های فرامادی اینگلهارت، چرخه‌ی تولید آلن اشنایرگ و همکاران و نظریه‌ی کنش معقولانه فیش بین و آیزن). هر یک از این نظریه‌ها به جنبه‌ای از رفتارهای اجتماعی - اقتصادی افراد به عنوان تهدیدی برای محیط زیست پرداخته اند. در این پژوهش به نظریه‌هایی اشاره می‌شود که در تبیین رفتارهای زیست محیطی کنش محور هستند که از میان این نظریه‌ها، نظریه‌ی کنش معقولانه فیش باین و آیزن (۱۹۷۵)، مدل رفتار زیست محیطی فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) و مدل رفتار زیست محیطی اولاندر و توچرون (۱۹۹۵)، می‌تواند بیش از سایر نظریه‌ها در تبیین موضوع تحقیق کمک کننده باشند. در نظریه‌ی کنش معقولانه‌ی آیزن و فیش بین (۱۹۷۵) داشتن آگاهی و شناخت واقعی از پیش شرط‌های ضروری برای هر نگرش است (کایزر، وولفینگ و فهرر، ۱۹۹۹). محدودیت‌های شناختی برای درک تخریب

زیست محیطی شامل تعهد عاطفی و تمایل ما به عمل است. درگیری عاطفی حدودی است که ما براساس آن با جهان طبیعی رابطی احساسی داریم. این پیوند عاطفی برای شکل‌گیری باورها، ارزش‌ها و نگرش‌هایمان نسبت به محیط زیست اهمیت زیادی دارد. علاوه بر این، درگیری عاطفی به عنوان توانایی برای داشتن واکنش عاطفی در زمان مواجهه با تخریب زیست محیطی مطرح می‌شود. این یعنی نوعی سرمایه‌گذاری عاطفی درباره‌ی مسأله. اما سؤال اینجاست چرا برخی نگران هستند و برخی نه؟ پاسخ به این سؤال منوط به چند عامل است: ۱- عدم سرمایه‌گذاری عاطفی که شامل فقدان دانش یا آگاهی است و یا اینکه فرد در برابر اطلاعات غیر تطبیقی مقاومت می‌کند. ۲- فرض بر این است زمانی که ما تخریب زیست محیطی را مستقیماً تجربه می‌کنیم واکنش نیرومند تری نسبت به آن خواهیم داشت. همچنین، انکار مسأله، فاصله‌ی عقلانی، بی‌تفاوتی و نیز محول کردن وظیفه‌ی خود به دیگران از ابزارهای کاهش احساس گناه، ترس و نگرانی در افراد است که مانع از درک عاطفی مسائل زیست محیطی می‌شود (کولوموس و آیژن، ۲۰۰۲). فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) مدل رفتار زیست محیطی خود را مبتنی بر یک عامل جامعه‌شناختی یعنی ارزش‌ها قرار دادند (کولوموس و آیژن، ۲۰۰۲: ۲۶۶). ارزش‌ها مسئول شکل‌دهی انگیزه‌های ذاتی ما هستند. اینکه چه چیزی ارزش‌های ما را شکل می‌دهد سؤال پیچیده‌ای است. ارزش‌های شخص بیشتر از نظام‌های خرد تأثیر می‌پذیرد. نظام‌های خرد شامل شبکه‌ی اجتماعی خانواده، همسایه‌ها، دوستان و غیره است. ارزش‌ها تا حدی نیز از سیستم‌های بیرونی مانند رسانه‌ها و سازمان‌های سیاسی تأثیر می‌پذیرند. همچنین تأثیر نظام‌های کلان هم مهم است مانند بسترهای فرهنگی که فرد در آن زندگی می‌کند. یکی از راه‌های نشان دادن شکل‌گیری ارزش‌های زیست محیطی، بررسی تجربیات زندگی است که باورها و ارزش‌های محیط زیست‌گرایان فعال را شکل می‌دهد. محیط زیست‌گرایان فعال کسانی هستند که دارای حساسیت زیست محیطی نیرومندی هستند یعنی همان علاقه‌مندی به یادگیری درباره‌ی محیط زیست و دغدغه داشتن برای آن و عمل برای حفظ آن، بر اساس تجربیات سازنده. (چاولا، ۱۹۹۸). هاینس و همکاران (۱۹۸۶) نیز مدل رفتار زیست محیطی خود را مبتنی بر نظریه‌ی برنامه‌ریزی شده‌ی آیژن و فیش بین منتشر کردند (کولوموس و آیژن، ۲۰۰۲: ۲۴۳). آنها با انجام فراتحلیل بر روی ۱۲۸ رفتار زیست محیطی دریافتند آگاهی زیست محیطی با رفتارهای زیست محیطی مرتبط است. اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) در مدل چندگانه خود رفتار مصرف‌کننده همراه با تأثیر بر محیط زیست را برحسب عامل انگیزه در کنار توانایی و فرصت در یک چارچوب مرجع قرار دادند: باورهای زیست محیطی یکی از عوامل انگیزشی در مدل آنهاست که بر نگرش‌های زیست محیطی مؤثرند: نگرش به نوبه‌ی خود نیت مصرف‌کنندگان را برای عمل به یک روش خاص تعریف می‌کند. باورها درباره‌ی یک فعالیت اغلب در اثر تجربه تغییر می‌یابند (پیتکاین، ۲۰۰۷: ۱۵). رفتارهای زیست محیطی مسئولانه (به عنوان نوعی محیط زیست‌گرایی) بخشی از شیوه

ای است که با آن افراد جهان و جایگاهشان را در آن می‌بینند و درک می‌کنند. این به فضایی تعلق دارد که شامل احساسات، تفکرات، تفسیرها، دانش، ایدئولوژی، ارزش‌ها و نظایر آن است (میلتون، ۱۹۹۶). نتایج حاصل از مطالعه‌ی پیشینه‌ی نظری و تجربی نشان می‌دهد که رفتارهای زیست محیطی معلول عوامل متفاوتی است که بین خود این عوامل نیز ارتباط وجود دارد. با مروری بر تحقیقات پیشین در می‌یابیم که محققان در بررسی رفتارهای زیست محیطی شهری تنها به یک یا دو عامل فرهنگی توجه داشتند در حالی که نوشتار حاضر درصدد است مجموعه عوامل فرهنگی را مورد بحث قرار دهد. براساس نظریات مطرح شده در بالا، می‌توان مدلی نظری ترسیم کرد که این امکان را فراهم می‌کند تا به بررسی رفتارهای زیست محیطی مسئولان شهروندان پرداخت. آگاهی زیست محیطی در نظریه‌ی کنش معقولانه آیزن و فیش بین (۱۹۷۵)، ارزش‌های زیست محیطی در مدل فیتکائو و کسل (۱۹۸۱)، باورهای زیست محیطی در مدل اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵)، تحصیلات و عوامل زمینه‌ای (جنس، سن و وضعیت تاهل) بر اساس تحقیقات (ضیاء پور همکاران، ۱۳۹۲؛ مختارآبادی و همکاران، ۱۳۹۳؛ گبیرت، ۲۰۱۴) است. البته این چارچوب نظری درک و شناخت کاملی از عوامل مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی شهری به دست نمی‌دهد، اما می‌تواند بخشی از این عوامل را شناسایی و تبیین کند. بنابراین می‌توان مدل نظری زیر را ارائه نمود.



شکل شماره ۱ (۱): مدل نظری تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

- ۱- رفتارهای زیست محیطی بر حسب متغیرهای زمینه‌ای (جنسیت، تاهل، سن) متفاوت است.
- ۲- بین میزان تحصیلات پاسخگویان و رفتارهای زیست محیطی شهری رابطه وجود دارد.
- ۳- بین آگاهی زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی شهری رابطه وجود دارد.
- ۴- بین ارزش‌های زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی شهری رابطه وجود دارد.
- ۵- بین باورهای زیست محیطی و رفتارهای زیست محیطی شهری رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

این پژوهش بر اساس نوع داده‌های جمع آوری و تحلیل شده، تحقیقی کمی و از لحاظ نوع برخورد با مسأله مطالعه ای میدانی است. ابزار جمع آوری اطلاعات پرسشنامه است که اعتبار آن به صورت صوری انجام شده و برای سنجش پایایی آن از ضریب آلفای کرونباخ استفاده شده که میزان آن برای متغیر رفتارهای زیست محیطی ۰/۸۸۰، ارزش‌های زیست محیطی ۰/۸۲۶، آگاهی زیست محیطی ۰/۸۴۰، باورهای زیست محیطی ۰/۸۴۰ است که میزان ضرایب آلفای کرونباخ حاکی از انسجام درونی گویه‌ها و موید قابلیت اعتماد ابزار سنجش است. جامعه‌ی آماری شامل همه‌ی شهروندان بالای ۱۵ سال شهر کرمانشاه است که براساس آخرین آمار موجود، جمعیت بالای ۱۵ سال شهر کرمانشاه ۶۸۶۲۲۸ نفر است (سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۰)، که بر اساس فرمول منطقی کوکران تعداد ۳۸۴ نفر به عنوان حجم نمونه‌ی این پژوهش انتخاب و برای جلوگیری از ریزش در طول تحقیق ۴۲۰ نفر در نظر گرفته شد و در پایان پس از حذف چند پرسشنامه کاملاً جهت دار و دارای گزینه‌های بی جواب و مبهم، داده‌های ۴۱۰ پرسشنامه وارد تحلیل شد. نمونه گیری به شیوه‌ی طبقه ای متناسب انجام شده و واحد تحلیل فرد است که با استفاده از آزمون‌های پارامتریک و معادلات ساختاری به تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی و استنباطی پرداخته شد. قبل از ارائه‌ی یافته‌ها و نتایج، هر یک از مفاهیم مهم و اصلی تحقیق به شرح زیر تعریف می‌گردند.

الف) رفتارهای زیست محیطی: مجموعه ای از کنش‌های افراد جامعه نسبت به محیط زیست است که در یک طیف وسیع از احساسات، تمایلات و آمادگی‌های خاص برای رفتار نسبت به محیط زیست را شامل می‌شود (صالحی و امام قلی، ۱۳۹۱: ۹۸). برای سنجش رفتارهای زیست محیطی از پرسشنامه مورد استفاده در پژوهش صالحی (۱۳۸۹) استفاده شد. ب) آگاهی زیست محیطی: یعنی میزان اطلاعات فرد در مورد مسائل زیست محیطی و عوامل مؤثر در گسترش آن و شناخت از چگونگی رفتار، برای بهبود این معضلات است (کایزر و همکاران، ۱۹۹۹). علاوه براین آگاهی زیست محیطی اولین گامی است که در نهایت به سوی رفتار شهروندی مسئولانه هدایت می‌شود (سانگوپتا و همکاران، ۲۰۱۰: ۲). این مفهوم در قالب طیف لیکرت با ۷ گویه از قبیل (مانند تعریف تنوع زیستی، فواید مرداب‌ها، تعریف زباله‌ی خطرناک، کارکرد لایه‌ی ازن، منابع دی اکسید کربن، نابودکنندگان انواع) مورد سنجش قرار گرفت. ج) ارزش‌های زیست محیطی: ارزش‌های اساسی شخص که بر جهان بینی و باورهای کلی وی درباره‌ی محیط زیست مؤثرند و این باورهای کلی نیز متعاقباً باورها و نگرش‌های خاصتر را شکل می‌دهند (فاضلی و جعفری صالحی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). برای سنجش ارزش‌های زیست محیطی از ۶ گویه از قبیل: (ارزشمندی تمام چیزها، خواه انسان، جانور، گیاه یا سنگ، محافظت از طبیعت حتی در جنبه‌های بی جان‌ش، مسئول بودن در مقابل نسل‌های آتی و ارزشمندی سیاره‌ی زمین به خودی خود) استفاده شده است. د) باورهای زیست محیطی: نظامی از گرایش‌ها درباره‌ی رابطه‌ی انسان و محیط زیست‌اند

و تعیین‌کننده‌ی رفتارهای حفاظتی، یا چارچوب‌های مرجعی اند که هنگام تعامل با محیط‌زیست از آنها استفاده می‌شود (صالحی و پازوکی نژاد، ۱۳۹۳). برای سنجش این متغیر از ۵ گویه مانند (نگرانی در مورد افزایش دما، کاهش بارندگی، کاهش منابع آبی برای کشاورزی و وقوع خشکسالی در سال‌های آینده) استفاده شده است.

یافته‌های تحقیق

یافته‌های پژوهش حاضر در دو بخش ارائه می‌شود: بخش اول شامل توصیف متغیرهای اصلی تحقیق و بخش دوم به تحلیل داده‌ها و نتیجه‌گیری اختصاص می‌یابد.

الف) توصیف متغیرها

نتایج متغیرهای توصیفی نشان می‌دهد که ۴۸/۸ درصد از افراد مورد مطالعه زن و ۵۱/۲ درصد از آن‌ها مرد هستند. ۲۱/۲ درصد از پاسخگویان نوجوان، ۳۱/۵ درصد جوان، ۳۱ درصد میانسال، ۱۶/۳ درصد بزرگسال هستند. علاوه بر این، ۲۰ درصد از پاسخگویان زیر دیپلم، ۳۲ درصد دیپلم، ۲۱/۷ درصد فوق دیپلم، ۲۰/۷ درصد لیسانس، ۵/۶ درصد فوق لیسانس و بالاتر هستند. هم چنین، ۴۷/۱ مجرد و ۵۲/۲ درصد متأهل هستند.

جدول شماره ۱: وضعیت پراکندگی پاسخ‌ها بر اساس رفتار زیست محیطی و مؤلفه‌های آن

مؤلفه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	میانگین	انحراف معیار
مصرف بهینه‌ی برق	۲۷/۶	۲۶/۱	۲۵/۴	۱۷/۳	۳/۷	۳/۴	۱/۲۲
مصرف بهینه‌ی گاز	۶/۳	۴۲/۷	۴۱/۲	۹/۸	۰/۰	۳/۲	۰/۷۴
مصرف بهینه‌ی آب	۶/۱	۳۳/۹	۳۲/۰	۲۷/۳	۰/۷	۲/۸	۰/۹۰
استفاده از تولیدات استاندارد	۱۷/۳	۳۲/۹	۳۰/۷	۱۹	۰/۰	۳/۱	۰/۹۳
حفاظت از محیط طبیعی	۳۰	۱۵/۶	۲۹/۸	۲۳/۷	۱	۳/۱	۱/۰۵
استفاده از وسایل بازیافتی	۲۳/۷	۲۲/۷	۳۳/۹	۱۹/۸	۰/۰	۳/۰۷	۰/۹۳
رفتار زیست محیطی	۲۲/۹	۲۹/۸	۳۳/۲	۱۴/۱	۰/۰	۳/۱	۰/۸۸

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که ۵۲/۷ درصد از پاسخگویان دارای رفتارهای زیست محیطی مسئولانه و تنها ۱۴/۱ درصد از آنها کمتر از محیط زیست حفاظت می‌کنند. میانگین رفتارهای زیست

محیطی پاسخگویان متوسط رو به بالا یعنی (۳/۱ از ۵) است. حداقل میانگین رفتارهای زیست محیطی به مصرف بهینه‌ی آب و بیشترین میانگین رفتار زیست محیطی به بحث مصرف (برق) برمی گشت.

جدول شماره ۲: توصیف آگاهی، ارزش و باورهای زیست محیطی پاسخگویان

متغیرها	آگاهی	ارزش	باور
خیلی زیاد	فراوانی	۲۹	۵۷
	درصد	۷/۱	۱۳/۹
	فراوانی تجمعی	۷/۱	۱۳/۹
زیاد	فراوانی	۱۵۵	۱۹۱
	درصد	۳۷/۸	۴۶/۶
	فراوانی تجمعی	۴۴/۹	۶۰/۵
متوسط	فراوانی	۲۵۴	۱۳۸
	درصد	۰/۶۲	۳۳/۷
	فراوانی تجمعی	۷۳/۶	۹۴/۲
کم	فراوانی	۱۰۱	۲۱
	درصد	۰/۲۴	۵/۱
	فراوانی تجمعی	۱۰۰	۹۳/۳
خیلی کم	فراوانی	۰/۰	۳
	درصد	۰/۰	۰/۷
	فراوانی تجمعی	۰/۰	۱۰۰
میانگین	۲/۴	۳/۰	۳/۳

بر اساس جدول شماره ۲، بیشترین توزیع آگاهی زیست محیطی پاسخگویان مربوط به سطح متوسط (۰/۶۲) و کمترین میزان مربوط به سطح خیلی زیاد (۱/۷) است. درصد فراوانی تجمعی حاکی از آن است که تقریباً سه چهارم از پاسخگویان دارای آگاهی زیست محیطی متوسط و بالاتر هستند و مابقی کمتر از این حد قرار دارند. همچنین، میانگین آگاهی زیست محیطی پاسخگویان ۲/۴ از ۵، یعنی نزدیک به متوسط است. کمترین میزان آگاهی زیست محیطی مربوط به فواید تالاب‌ها و بیشترین مقدار آن با تعریف زباله‌های خطرناک مرتبط بود. ارزش‌های زیست محیطی نیز یکی از متغیرهای مهم و اثر گذار بر رفتارهای محیط زیستی است. بر اساس جدول بالا، بیشترین توزیع ارزش زیست محیطی پاسخگویان مربوط به سطح متوسط (۰/۴۰) و کمترین میزان مربوط به سطح خیلی زیاد (۷/۱) است.

درصد فراوانی تجمعی حاکی از آن است که بیش از سه چهارم از پاسخگویان دارای ارزش‌های زیست محیطی متوسط و بالاتر هستند و مابقی کمتر از این حد قرار دارند. همچنین، میانگین ارزش‌های زیست محیطی پاسخگویان ۳ از ۵، یعنی در حد متوسط است. مقایسه‌ی میانگین‌ها نشان می‌دهد که گویه‌های «مسئولیت انسان در مقابل نسل‌های آتی» و «محافظت از طبیعت حتی در جنبه‌های بی‌جان خود» به ترتیب دارای بیشترین و کمترین مقدار میانگین بودند. همچنین، بر اساس جدول شماره‌ی ۲ بیشترین توزیع باورهای زیست محیطی پاسخگویان مربوط به سطح زیاد (۶/۶) و کمترین میزان مربوط به سطح خیلی کم (۰/۷) است. درصد فراوانی تجمعی حاکی از آن است که (۳/۹۴) از پاسخگویان دارای باورهای زیست محیطی متوسط و بالاتر و مابقی کمتر از این حد قرار دارند. همچنین میانگین آگاهی زیست محیطی پاسخگویان ۳/۳ از ۵ است یعنی نزدیک به زیاد و حاکی از وجود عمیق بودن باورهای زیست محیطی در بین پاسخگویان است. کمترین مقدار میانگین به گویه «در سال‌های آینده مقدار بارندگی کم می‌شود» و بیشترین مقدار میانگین نیز به گویه‌ی «من نگران کاهش منابع آبی برای کشاورزی هستم»، اختصاص داشت.

ب) تحلیل داده‌ها

در این قسمت، ابتدا تفاوت رفتار زیست محیطی پاسخگویان بر اساس متغیرهای زمینه‌ای مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌گیرد. در این پژوهش به منظور آزمون فرضیه‌ی اول تحقیق یعنی تفاوت رفتارهای زیست محیطی بر حسب جنس، تاهل و سن به ترتیب از آزمون تی دو نمونه‌ای برای متغیر جنس و تاهل و از آزمون تحلیل واریانس برای متغیر سن استفاده گردیده که نتایج به شرح جداول زیر است.

الف) تحلیل رفتارهای زیست محیطی مسئولانه بر حسب جنس و تاهل

جنسیت از جمله متغیرهایی است که در تحقیقات پیشین مورد توجه محققان زیست محیطی قرار گرفته است. تحقیقات پیشین رابطه معناداری را بین تفاوت جنسیت و مسائل زیست محیطی نشان دادند.

جدول شماره ی ۳: تفاوت میانگین رفتارهای زیست محیطی بر حسب جنسیت و تاهل

متغیر وابسته	متغیر مستقل		میانگین	انحراف معیار	مقدار T	معنا داری
	جنسیت	مرد				
رفتار	جنسیت	مرد	۳/۰۲	۰/۸۰۶	-۲/۶۵	۰/۰۰۱
		زن	۳/۲۵	۰/۹۵۵		
زیست محیطی	تاهل	مجرد	۲/۸	۰/۸۰۵	-۷,۱۷	۰/۰۰۰
		متاهل	۳/۴	۰/۸۶۸		

داده‌های جدول شماره‌ی (۳) بیانگر آن است که میانگین رفتارهای زیست محیطی به طور کلی برای زنان و مردان به ترتیب ۳/۲۵ و ۳/۰۲ است که این امر حکایت از آن دارد که میانگین رفتار زیست محیطی زنان بیشتر از مردان است. نتایج آزمون T نشان می‌دهد که این تفاوت در میانگین، به لحاظ آماری نیز معنادار است. به عبارتی، زنان به دلایل خاص از جمله به دلیل قرابت با طبیعت به دلیل نقش‌های فرزند پروری و مراقبتی که دارند، بیش از مردان در حفظ محیط زیست کوشا هستند. در بررسی نواح و همکاران (۱۳۹۰)، فرهمند و همکاران (۱۳۹۲)، مختارآبادی و همکاران (۱۳۹۳)، صالحی (۲۰۱۰) و گبیرت (۲۰۱۴) نیز این نتیجه تأیید شده بود.

همچنین داده‌های جدول شماره‌ی (۳) نشان می‌دهد که میانگین رفتارهای زیست محیطی به طور کلی برای متاهلان و مجردان به ترتیب ۳/۴ و ۲/۸ است که این امر نشان می‌دهد میانگین رفتار زیست محیطی متاهلان بیشتر از مجردان است. نتایج آزمون T نشان می‌دهد که این تفاوت در میانگین، به لحاظ آماری نیز معنادار است. به عبارت دیگر، افراد متاهل دارای رفتار زیست محیطی مسئولانه تری نسبت به افراد مجرد هستند. به نظر می‌رسد افراد بعد از ازدواج به علت درگیری مستقیم و تنگاتنگی که با واقعیت‌های زندگی دارند و به نوعی خود را به طور مستقیم با امور زندگی مانند دخل و خرج، تولید و مصرف به طور کلی حس مسئولیت پذیری رابطه درگیر می‌کنند که این سبب می‌شود آنها اهمیت مسائل دیگر از جمله مسائل زیست محیطی را بیشتر درک می‌کنند. با مروری بر تحقیقات پیشین، ضیاء پور و همکاران (۱۳۹۲) نیز دریافتند که افراد متاهل رفتار زیست محیطی مطلوبتری داشتند در حالی که نواح و همکاران (۱۳۹۰) بین این دو رابطه معناداری را نیافتند.

ب) تحلیل رفتارهای زیست محیطی مسئولانه بر حسب گروه‌های سنی: جدول شماره‌ی ۴، مقایسه رفتارهای زیست محیطی مسئولانه را بر اساس دوره‌های سنی نشان می‌دهد.

جدول شماره ۴: تفاوت رفتارهای زیست محیطی بر اساس دوره‌های سنی

معنا داری	F	میانگین	تعداد	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰/۰۱۱	۳/۷۵	۳/۴	۸۷	نوجوانان	رفتار زیست محیطی
		۳/۵	۱۲۹	جوانان	
		۳/۶	۱۲۷	میانسالان	
		۳/۹	۶۷	بزرگسالان	

نتایج به دست آمده از جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که میانگین رفتارهای زیست محیطی بر اساس دوره‌های سنی متفاوت است. همچنین، سطح معنا داری آزمون F محاسبه شده ($p > 0,05$)، برای رفتارهای زیست محیطی و دوره‌های سنی نشان می‌دهد فرضیه‌ی تفاوت میانگین رفتار زیست محیطی و دوره‌های سنی از لحاظ آماری با احتمال ۰/۹۵ درصد و با سطح تشخیص ۰/۰۵ معنادار است. برای آگاهی از جزئیات این تفاوت با تکیه بر آزمون‌های تعقیبی (شفه) به مقایسه‌ی میانگین‌ها پرداخته ایم. نتایج حاصل از آزمون‌های تعقیبی حاکی از وجود این تفاوت در بین گروه سنی نوجوانان و جوانان با بقیه بود. به عبارتی، تفاوت مشاهده شده ناشی از رفتار مسئولانه‌ی گروه میانسال و بزرگسال نسبت به گروه‌های دیگر است. در مورد گروه‌های سنی مطالعه ضیاءپور و همکاران (۱۳۹۲)، فرمند و همکاران (۱۳۹۲)، مختارآبادی و همکاران (۱۳۹۳)، صالحی (۲۰۱۰)، فرضیه‌ی سالمندی در ایران را تأیید می‌کند اما این تحقیق مانند تحقیق صالحی و امام قلی (۱۳۹۱) و امام قلی (۱۳۹۰) فرضیه دوره‌ای را تأیید می‌کند. مطابق با این فرضیه، تأثیرات دوره‌ای ناشی از تغییرات شرایط اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی عامل این تفاوت است. فرضیه‌ی دوره‌ای بیانگر این است که هر دو فرایند بالا به وسیله‌ی تغییرات حادث در اوضاع و احوال جرح و تعدیل می‌شوند.

تحلیل دو متغیره

پیش فرض‌های آماری نشان می‌دهد که متغیرهای مورد بررسی دارای مقیاس فاصله‌ای و همچنین نتایج آزمون نرمالیتی متغیر وابسته (کولموگروف-اسمیرنوف تک نمونه‌ای) نشان می‌دهد که سطح معنا داری برای این متغیر برابر با ۰/۶۲۰ است. چون مقدار سطح معنا داری به دست آمده بیشتر از ۰/۰۵ است، پس توزیع مشاهده شده با توزیع مورد انتظار یکسان و توزیع تابع مورد نظر به توزیع نرمال نزدیک تر است و نهایتاً رابطه‌ی بین متغیرها خطی است. بنابراین، آزمون مناسب برای سنجش رابطه‌ی بین این متغیرها، آزمون ضریب همبستگی پیرسون است که در نتیجه‌ی آن، روابط بین متغیرهای تحقیق توصیف، کشف و تبیین می‌شود.

جدول شماره ۵) ضریب همبستگی پیرسون و سطح معنا داری آنها را نشان می دهد.

جدول شماره ۵: ضریب همبستگی پیرسون متغیرهای اصلی تحقیق

متغیرهای تحقیق		آگاهی		ارزش		باور		تحصیلات
مستقل	آزمون	معنا داری	معنا داری	آزمون	معنا داری	آزمون	معنا داری	معنا داری
وابسته								
مصرف برق	۰/۱۲۶	۰/۰۱۱	۰/۲۴۵	۰/۰۰۰	۰/۲۴۳	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷	۰/۲۴۹
مصرف گاز	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	۰/۰۹۴	۰/۰۰۰	۰/۰۵۷	۰/۸۴۹
مصرف آب	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	۰/۲۵۶	۰/۰۰۰	۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۱۰
حفاظت از منابع	۰/۲۰۹	۰/۰۰۰	۰/۲۷۳	۰/۰۰۰	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۷۰۲
تولیدات دارای استاندارد	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۷۹	۰/۰۰۰	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۶۲۶
وسایل بازیافتی	۰/۱۲۶	۰/۰۱۱	۰/۲۴۵	۰/۰۰۰	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۴۶۰
رفتار زیست محیطی	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	۰/۲۸۳	۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۵۶۸
ارزش	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	-	-	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۵۳
باور	۰/۰۰۱	۰/۹۸۸	۰/۲۵۳	۰/۰۰۰	-	-	-	۰/۰۴۴
آگاهی	-	-	۰/۳۸۵	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۹۸۸	۰/۰۰۰	۰/۶۲۶

بر طبق اطلاعات جدول شماره ۵ ضریب همبستگی بین متغیرهای اصلی تحقیق (ارزش، باور، آگاهی و تحصیلات) با مؤلفه‌های رفتار زیست محیطی (مصرف برق، مصرف گاز، مصرف آب، حفاظت از منابع طبیعی، استفاده از تولیدات دارای استاندارد زیست محیطی و استفاده از وسایل قابل بازیافت) پاسخگویان متفاوت است به صورتی که ضریب همبستگی ارزش‌های زیست محیطی با رفتار زیست محیطی دارای بیشترین مقدار (۰/۲۸۳) و ضریب همبستگی متغیر تحصیلات با مصرف گاز کمترین مقدار (۰/۰۰۹) و در حد ضعیف است. همچنین نتایج معنا داری نشان می دهد که از ۲۴ رابطه‌ی سنجش شده ۷ رابطه به لحاظ آماری معنا دار بوده و ۱۷ رابطه‌ی دیگر از لحاظ آماری معنی دار است. همچنین نتایج آزمون معنا داری نشان می دهد که ضریب همبستگی متغیرهای مستقل اصلی تحقیق با رفتارهای زیست محیطی شهری پاسخگویان متفاوت است.

۱- برطبق آزمون همبستگی پیرسون رابطه بین متغیر تحصیلات با رفتار زیست محیطی با سطح معنی داری (۰/۵۶۸) و ضریب همبستگی (۰/۰۲۸-) معنی دار نمی‌باشد. به عبارت دیگر افزایش تحصیلات پاسخگویان بر رفتارهای زیست محیطی مسئولانه شهری تاثیر ندارد که این نتیجه با نتایج به دست آمده توسط ضیاء پور و همکاران (۱۳۹۲)؛ پورتینگا (۲۰۰۴) و گبیرت (۲۰۱۴) هم سویی نداشته و با پژوهش صالحی (۱۳۹۱) در کردستان همسو می‌باشد.

۲- برطبق آزمون همبستگی پیرسون رابطه‌ی بین متغیر آگاهی با رفتار زیست محیطی با سطح معنا داری (۰/۰۰۰) و همبستگی (۰/۱۸۶) معنی دار است. بنابراین فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود. در بین تحقیقات پیشین، فرهمند و همکاران (۱۳۹۲)؛ مختاری ملک آبادی و همکاران (۱۳۹۳)؛ دورای (۲۰۰۵) و سانچز (۲۰۱۰) دریافتند که آگاهی با رفتار زیست محیطی رابطه داشته است. آگاهی و شناخت نسبت به هر مسأله بستر فرهنگی لازم برای مقابله با آن مسأله را فراهم می‌کند، لاجرم آگاهی نسبت به مسائل محیط زیست در شکل دهی رفتارهای تأثیرگذار بر محیط زیست مداخله می‌نمایند. آگاهی زیست محیطی قدرت درک و دریافت مسائل محیط زیست است که در نهایت به نگرش مثبت نسبت به محیط زیست منجر می‌شود. محورهای اصلی آگاهی زیست محیطی یادگیری در متن طبیعت و محیط زیست، ایجاد پیوند بین مفاهیم زیست محیطی، قابلیت ارائه‌ی مهارت در زمینه‌ی محیط زیست و برانگیختن وجدان عمومی است (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲).

۳- برطبق آزمون همبستگی پیرسون رابطه بین متغیر ارزش با رفتار زیست محیطی با سطح معنا داری (۰/۰۰۰) و همبستگی (۰/۲۸۳) معنا دار است. بنابراین فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود. این نتیجه با نتایج به دست آمده توسط پورتینگا و همکاران (۲۰۰۴) و گوترز کارپ (۱۹۹۶) همسویی داشت. در حوزه‌ی رفتارهای زیست محیطی، افراد قبل از داشتن انگیزه‌ی خریداری محصولات زیست محیطی سالم باید برای حفاظت از محیط زیست ارزش قائل شوند. مصرف کنندگان باید احساس کنند که وقتی محصولی سالم را خریداری می‌کنند، در واقع، محصولی متفاوتی را در اختیار دارند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که سطح ادراک شده‌ی سهم هر شخص در حفاظت از محیط زیست پایین است. از این رو علت این که چرا مصرف کنندگان خیلی کم به رفتارهای مطلوب زیست محیطی گرایش پیدا می‌کنند واضح است.

۵- بر طبق آزمون همبستگی پیرسون رابطه بین متغیر باور با رفتار زیست محیطی با سطح معنا داری (۰/۰۰۰) و همبستگی (۰/۲۱۸) معنا دار است. بنابراین فرض H_1 مبنی بر وجود رابطه تأیید می‌شود. نواح و فروتن کیا (۱۳۹۰)؛ سانچز و لافونیت (۲۰۱۰) دریافتند که باورهای زیست محیطی بر رفتارهای زیست محیطی تاثیر دارند. طبق مدل فیشباین و آیزن یک نتیجه علی فرض شده بود که رفتار را تبیین می‌کند. بویژه آنها استدلال کردند که باورهای زیست محیطی بر نگرش زیست محیطی و نیت

ذهنی و در حقیقت بر رفتار زیست محیطی تأثیر دارد. اکثر تحقیقات نشان دادند که رفتار زیست محیطی با انواع معینی از فعالیت‌های گردشگری و سرگرم کننده در فضای آزاد رابطه دارد.

تحلیل رگرسیون چند متغیری

با کمک رگرسیون چند متغیره می‌توان رابطه‌ی خطی موجود بین مجموعه‌ای از متغیرهای مستقل را با متغیر وابسته مطالعه نمود. قبل از انجام رگرسیون پیش فرض‌های رگرسیون باید رعایت شود. مهم ترین پیش فرض رگرسیون خطی بودن روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته است. بر اساس آنچه که در بالا مطرح شد، روابط بین متغیرهای مستقل و وابسته خطی و توزیع متغیر وابسته نرمال است. علاوه بر این از آماره دوربین - واتسون برای سنجش مستقل بودن همبستگی باقیمانده‌ها استفاده شده است. مقدار آماره‌ی دوربین واتسون نشان می‌دهد که باقیمانده‌ها با هم همبستگی ندارند. برای آگاهی از چگونگی روابط هم خطی بین متغیرهای مستقل از آماره‌ی تولرانس^۱ استفاده شده است.

جدول شماره‌ی ۶: رگرسیون چند متغیری برای تبیین رفتارهای زیست محیطی

ضریب همبستگی	ضریب تعیین	مقدار آزمون (F)	معنا داری	دوربین واتسون
۰/۳۶۹	۰/۱۳۶	۱۰/۵۶	۰/۰۰۰	۲/۱۳۶

بر اساس نتایج آزمون رگرسیون چند متغیری به روش (Enter)، همانطور که ملاحظه می‌شود ضریب همبستگی چندگانه (۰/۳۶۹) و ضریب تعیین (۰/۱۳) به دست آمده است، یعنی میزان (۰/۱۳) درصد از واریانس متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل معنادار موجود در مدل تبیین و بقیه واریانس توسط عواملی خارج از مدل تبیین می‌شود.

جدول شماره‌ی ۷: رگرسیون چند متغیری (ضرایب بتا) متغیرهای مستقل برای تبیین رفتارهای زیست محیطی

متغیر	Beta	مقدار آزمون (T)	معنا داری	ضریب تولرانس
ارزش	۰/۱۷	۴/۵۲۸	۰/۰۰۱	۰/۷۶۵
باور	۰/۱۵	۳/۱۲۷	۰/۰۰۲	۰/۹۰۸
آگاهی	۰/۱۱	۲/۳۴۲	۰/۰۲۵	۰/۸۳۸
سن	۰/۱۰	۲/۱۸۲	۰/۳۰	۰/۹۵۲

۱ ضریب تولرانس بین صفر و یک در نوسان است بنابراین هر چه ضریب تولرانس نزدیک به یک باشد میزان هم خطی بودن کمتر است.

جنس	۰/۸	۱/۸۶۷	۰/۰۴۳	۰/۹۷۹
تحصیلات	۰/۰۱	۰/۳۷۷	۰/۷۰۶	۰/۹۸۲

بر طبق یافته‌های جدول بالا، مقدار آماره t هر متغیر و ضرایب بتای استاندارد شده و سطح معنا داری، نشان دهنده‌ی اهمیت نسبی حضور هر متغیر در مدل است. بر اساس اطلاعات جداول (۶ و ۷) به ترتیب ارزش‌های زیست محیطی با ضریب بتای (۰/۱۷)، باورها (۰/۱۵)، آگاهی (۰/۱۱)، سن (۰/۱۰)، جنس (۰/۸) و تحصیلات (۰/۰۱) درصد، در تبیین رفتارهای زیست محیطی مؤثرند. با توجه به ضرایب بتای حاصل شده متغیر ارزش‌های زیست محیطی بیشترین و متغیر تحصیلات کمترین سهم را در تبیین متغیر وابسته‌ی تحقیق دارند.

تحلیل مسیر

برای تعیین میزان تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته از تحلیل مسیر استفاده شده است. جدول شماره‌ی ۸ اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته را نشان می‌دهد.

جدول شماره ۸: اثرات مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر وابسته

کل	ضرایب تأثیر		نام متغیر
	غیر مستقیم	مستقیم	
۰/۲۷۰	۰/۲۵۳	۰/۱۷	ارزش
۰/۱۵	-	۰/۱۵	باور
۰/۳۷۰	۰/۳۵۹	۰/۱۱	آگاهی
۰/۱۰	-	۰/۱۰	سن
۰/۸	-	۰/۸	جنس
-/۲۰	-/۲۱	۰/۰۱	تحصیلات

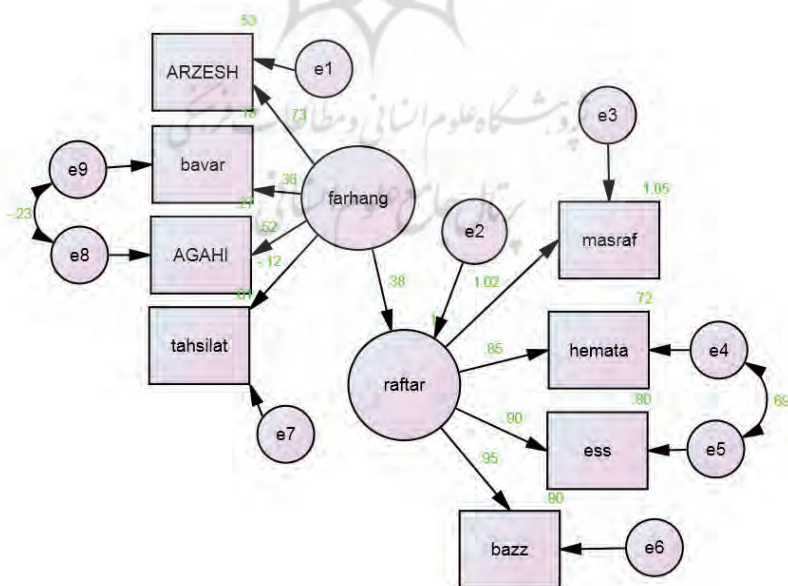
نتایج جدول شماره ۸ نشان می‌دهد که متغیر آگاهی با ۰/۳۷ درصد اثرگذاری کل، دارای بیشترین تأثیر بر رفتارهای زیست محیطی است به طوری که این متغیر دارای ۰/۱۱ درصد اثر مستقیم و ۰/۳۵۹ درصد اثر غیر مستقیم است. متغیر ارزش‌های زیست محیطی دارای رتبه‌ی دوم است به طوری که دارای ۰/۱۷ درصد اثر مستقیم و ۰/۲۵۳ تأثیر غیر مستقیم است. همچنین متغیرهای به ترتیب اثرگذاری: باور، سن، جنس و تحصیلات در رتبه‌های بعدی تأثیر گذاری قرار دارند.

معادلات ساختاری با کاربرد آموس^۱

به منظور بررسی آثار مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل (آگاهی، ارزش، باور، تحصیلات) بر متغیر وابسته رفتارهای

زیست محیطی از نرم افزار آموس استفاده شد. شکل زیر تصویر کلی نقش عوامل فرهنگی مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی

مسئولانه‌ی شهروندان شهر کرمانشاه را نشان می‌دهد. در این شکل رابطه‌ی متغیر عوامل فرهنگی به عنوان متغیر مستقل با ابعاد چهارگانه: آگاهی، ارزش، باور، تحصیلات با متغیر وابسته تحقیق (رفتار زیست محیطی) معنا دار شد. شاخص‌های برازش مدل: $\chi^2 = 6.42$, $df = 17$, $NFI = 0.97$, $GFI = 0.97$, $TLI = 0.98$, $CFI = 0.99$, $RMSEA$ برابر 0.06 می‌باشد که برازش نسبتاً خوبی را نشان می‌دهد. شاخص‌های مدل، آزمون نیکویی برازش ساختار نظری مطرح شده با داده‌های مشاهده شده و اعتبار سازه ای وسیله‌ی اندازه گیری وسیله‌ی مورد بحث را نشان می‌دهد. کلیه‌ی شاخص‌های تطبیقی مدل، نیز مقادیری نزدیک به محدوده‌ی پذیرش را نشان می‌دهند که به معنای توان نسبی مدل برای فاصله گرفتن از یک مدل استقلال و نزدیک شدن به یک مدل اشباع شده بر مبنای معیارهای تعریف شده برای آنهاست. با توجه به درجه‌ی آزادی مدل، مدل فرا مشخص است.



شکل ۲ مدل نهایی برازش شده بر اساس تکنیک تجزیه و تحلیل معادلات ساختاری برای پیش بینی عوامل مؤثر بر رفتار زیست محیطی

$\chi^2 = 67.42$, $df = 17$, $NFI = 0.97$, $CFI = 0.99$, $TLI = 0.98$, $GFI = 0.97$, $RMSEA = 0.06$

با مروری کوتاه بر چهارچوب نظری آورده شده در می‌یابیم که ارزشها، باورها و آگاهی زیست محیطی بر رفتارهای زیست محیطی تأثیر دارند. در نظریه‌ی کنش معقولانه آیزن و فیش بین (۱۹۷۵)، داشتن آگاهی و شناخت واقعی از پیش شرط‌های ضروری برای هر نگرش و تأثیر بر رفتار است. فیتکائو و کسل (۱۹۸۱) مدل رفتار زیست محیطی خود را مبتنی بر یک عامل جامعه شناختی یعنی ارزش‌ها قرار دادند. گفته شد که یکی از راه‌های نشان دادن شکل گیری ارزش‌های زیست محیطی، بررسی تجربیات زندگی است که باورها و ارزش‌های محیط زیست گرایان فعال را شکل می‌دهد. اولاندر و توجرسون (۱۹۹۵) نیز در مدل چندگانه‌ی خود رفتار مصرف کننده همراه با تأثیر بر محیط زیست را برحسب عامل انگیزه در کنار توانایی و فرصت در یک چارچوب مرجع قرار دادند: باورهای زیست محیطی یکی از عوامل انگیزشی در مدل آنهاست که بر نگرش‌های زیست محیطی مؤثرند: نگرش به نوبه‌ی خود نیت مصرف کنندگان را برای عمل به یک روش خاص تعریف می‌کند.

بحث و نتیجه گیری

مطالعه درباره رفتار زیست محیطی یکی از حوزه‌های جامعه شناسی محیط زیست است که در سه دهه‌ی اخیر در بسیاری از کشورهای توسعه یافته انجام شده است. اگرچه در کشورهای در حال توسعه چنین مطالعاتی صورت نگرفته یا کمتر به آن پرداخته شده ولی مسائل زیست محیطی در این کشورها بیشتر شده و مورد توجه اذهان عمومی قرار گرفته است (نواح و فروتن کیا، ۱۳۹۰: ۷۹). تاکنون رویکرد پژوهشی به کار رفته برای رفع بحران‌های زیست محیطی عمدتاً مبتنی بر پارادایم‌های علمی اثبات گرا هستند که با ضرورت در نظر گرفتن فرهنگ هم راستا نیستند. این در حالی است که تلاش‌های زیست محیطی باید زیست بوم گرا باشند و بر ارزش‌ها، باورها، آگاهی زیست محیطی مردم استوار باشند (نواح و فروتن کیا: ۸۰). واقعیت این است که ریشه‌ی اصلی بحران‌های زیست محیطی در زمان حاضر را باید در نگاه و تفسیر فرهنگی بشر از محیط زیست طبیعی جستجو کرد، از این رو دیدگاه جدید در پایداری باید علاوه بر عوامل فنی، متوجه انسان و ابعاد فرهنگی رفتارهای او باشد (محقق داماد، ۱۳۸۰). در این بررسی تلاش شد تا رفتارهای زیست محیطی شهری شهروندان در شهر کرمانشاه مورد بررسی قرار گیرد و نقش عوامل فرهنگی در میزان مسئولانه بودن آن مورد توجه قرار گیرد. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که رفتارهای زیست محیطی شهروندان حاضر در پیمایش مسئولانه است. این نشان می‌دهد که تلاش‌های صورت گرفته توسط اداره‌ی حفاظت محیط زیست

در استان کرمانشاه عملکرد مناسبی داشته و انتخاب شدن شهرستان کرمانشاه به عنوان یکی از نامزدهای انتخاباتی شهراسلامی زیست محیطی از میان ۲۳ کشور و از ۱۰ استان کشور که در برنامه اسکان بشر سازمان ملل متحد، پیشنهاد شده است، حاکی از اجتماعی شدن شهروندان با فرهنگ حفظ محیط زیست در طول یک دهه‌ی گذشته است (خبرگزاری بین‌المللی کردپرس، ۱۳۹۳). همچنین یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که رفتارهای زیست محیطی شهری برحسب جنسیت، سن و وضعیت تاهل متفاوت بوده است. تحلیل همبستگی پیرسون نیز نشان داد که ارزش‌ها، باورها و آگاهی‌های زیست محیطی به ترتیب رابطه‌ی نیرومندی با رفتارهای زیست محیطی شهری داشتند. بر اساس تحلیل رگرسیون عواملی که بیشترین تاثیر را بر رفتارهای زیست محیطی داشتند، ارزش‌ها و باورهای زیست محیطی بودند. معادلات ساختاری نیز نشان داد که مدل نظری ترسیم شده در این تحقیق به خوبی می‌تواند تغییرات رفتارهای زیست محیطی شهری را تبیین کند بنابراین می‌توان در تحقیقات آتی به طور هم‌زمان چنین عواملی را در تحلیل وارد ساختار یافته‌ها نشان داد که تحصیلات تأثیری بر رفتارهای زیست محیطی نداشت. تحصیلات زمانی بر رفتارهای زیست محیطی تأثیر می‌گذارد که دانش و آگاهی از مسائل زیست محیطی فرد را توسعه دهد. آگاهی از مسائل و موضوعات زیست محیطی معمولاً پیش‌نیازی برای دغدغه‌های زیست محیطی در نظر گرفته می‌شود (صالحی، ۱۳۹۰). صالحی (۱۳۹۰) درباره‌ی عدم تأثیر تحصیلات بر توسعه‌ی دانش و رفتارهای زیست محیطی معتقد است که آموزش محیط زیست در ایران وضعیت مناسبی ندارد و از سه دهه فراتر نمی‌رود. اگرچه مسائل زیست محیطی در برنامه‌های آموزشی مدارس و در سطوح مختلفی تدریس می‌شود با این حال موارد درسی ناکافی است و عمدتاً از اطلاعات ابتدایی در مورد محیط زیست تشکیل شده است. پالممر (۱۳۹۰) نیز معتقد است در عصر توسعه‌ی پایدار و در عصر مخاطرات جهانی، آموزش محیط زیست باید سازماندهی شود، به گونه‌ای که این آموزش درباره‌ی، از طریق و برای محیط زیست باشد. کسب آگاهی و شناخت درباره‌ی محیط زیست نه تنها فراگیران را قادر می‌سازد تا اطلاعاتی درباره‌ی مفاهیم مربوطه و واقعیت‌ها و ارقام به دست آورند، بلکه همچنین برای آنها این امکان را فراهم می‌کند که با شناختی آگاهانه به ارزیابی انتقادی مسائل و موقعیت‌ها بپردازند. کارکردن از طریق محیط زیست یا در محیط زیست، با فراهم کردن تجربیات دست اول و نیز پالایش مهارت‌هایی مانند مهارت‌های مورد نیاز برای پژوهش، برقراری ارتباط، مذاکره و حل مسائل، به حصول بخش اعظم دانش، آگاهی و شناخت منجر می‌شود. علاوه بر این، آموزش برای محیط زیست با شکوفایی اخلاقیات محیط زیستی، گرایش‌ها، ارزش‌ها اعم از عناصر و ایده‌های مربوط به درک انسان و نیز رفتار مورد نیاز برای ایجاد الگوهای زندگی پایدار و بهره‌برداری توأم با مراقبت این سیاره و منابع آن سروکار دارد (پالممر، ۱۳۹۰: ۲۱۹-۲۱). تقویت همگرایی و همبستگی اجتماعی برای زیستن در یک جامعه پایدار انگیزه‌ی اصلی ایجاد فرهنگ محیط زیست می‌شود که در سایه‌ی آن افراد همچون اعضای یک خانواده‌ی جهانی برای حفظ حیات و دستیابی به

پایداری تلاش می‌کنند (یزدخواستی و همکاران، ۱۳۹۲). امروزه بر سرمایه فرهنگی و ارتقای آن در کاهش و کنترل مسائل اجتماعی نظیر بحران‌های زیست محیطی تأکید می‌شود و به نظر می‌رسد که توسعه‌ی پایدار بویژه جنبه‌ی زیست محیطی آن در گرو توجه به عوامل فرهنگی است. فرهنگ یعنی معیارهای تصمیم‌گیری درباره‌ی این که محیط زیست چیست، چه چیزی می‌تواند باشد و شخص چه احساسی درباره آن دارد و چه کاری درباره‌ی آن انجام می‌دهد و این به معنای آن است که بدون فرهنگ انسان نمی‌تواند حتی محیط زیستش را تعریف کند. به منظور تعریف رابطه بین انسان‌ها و محیط زیست سه شیوه وجود دارد: اول اینکه انسان‌ها خود را با محیط زیست سازگار می‌کنند و از این رو از آن تأثیر می‌پذیرند؛ دوم اینکه انسان‌ها به منظور تامین نیازهایشان خود را با محیط زیست تطبیق می‌دهند؛ بنابراین، محیط زیست را تعیین می‌کنند یا می‌سازند؛ سوم اینکه انسان‌ها با محیط زیستشان به گونه‌ای در تعامل هستند که یکدیگر را متأثر می‌کنند. در دو الگوی اول، نقش میانجی فرهنگ عمدتاً شفاف است. در واقع مفهوم رابطه میان انسان و محیط زیست به واسطه‌ی فرهنگ به تفریق شدن در رابطه‌ی میان فرهنگ و محیط زیست گرایش دارد. غالباً در برخی از فرهنگ‌ها، هرکس سعی دارد تا یک فلسفه‌ی مشترک، اعتقاد، نظام‌های ارزشی، الگوهای ادراکی و مسئولیت‌ها را به اشتراک بگذارد. این الگوهای فرهنگی به عنوان متغیرهای فردی در نظر گرفته نشده‌اند بلکه عمدتاً سعی می‌کنند تا دیدگاه‌های زیست محیطی را برای هماهنگی بین مردم و طبیعت برقرار سازند (شیری و همکاران، ۱۳۹۲).

پیشنهاد‌های تحقیق

اولین پیشنهاد به جایگاه رسانه‌ی ملی در آموزش مطلوب زیست محیطی مربوط است. از آنجایی که تلویزیون مهم‌ترین منبع کسب اطلاعات زیست محیطی در این بررسی شناخته شد بنابراین، از این رسانه باید کارآمدتر برای بهبود رفتارهای زیست محیطی استفاده نمود. در حال حاضر در بخش برنامه‌های ویژه‌ی کودکان درباره‌ی حفظ محیط زیست تولید برنامه می‌شود اما باید این روند برای سایر گروه‌های اجتماعی جامعه نیز میسر گردد. حل بسیاری از مشکلات زیست محیطی جامعه‌ی امروز ما مانند تولید انبوه زباله، آلودگی هوا، آب و خاک و نیز ترویج مصرف سبز مانند مصرف محصولات ارگانیک که بدون استفاده از کودهای شیمیایی تولید شده باشند، نیازمند تغییر نگرش‌ها، تصورات و عادت‌هاست. بنابراین پیشنهاد دوم این است که سازمان‌های مردم‌نهاد با برگزاری جلساتی برای زنان و جوانان می‌توانند به طور عملی رفتارهای زیست محیطی را آموزش دهند. مشوق‌های اقتصادی می‌توانند انگیزه‌ی خوبی را برای افراد جامعه برای حفظ محیط زیست ایجاد نمایند. همچنین افزایش آگاهی و تقویت ارزشهای زیست محیطی به عنوان ابزاری کارآمد برای تقویت رفتارهای زیست محیطی از طریق کتب درسی، وسایل ارتباط جمعی و برگزاری کلاس‌های آموزشی و همایش‌ها.

منابع

۱. امام قلی، لقمان. (۱۳۹۰). بررسی تأثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر رفتارهای زیست محیطی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان)، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، استاد راهنما: صادق صالحی، دانشگاه مازندران.
۲. پالمر، جوی. (۱۳۹۰). آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم، ترجمه‌ی دکتر علی محمد خورشید دوست، تهران: انتشارات سمت.
۳. ساروخانی، باقر (۱۳۸۲). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم و مطالعات فرهنگی، جلد اول.
۴. خبرگزاری بین‌المللی کردپرس، (۱۳۹۳).
۵. سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال، (۱۳۹۰).
۶. شبیری، سید محمد؛ قائمی، آلاله و قائمی، پونه. (۱۳۹۲). بررسی روند آموزش محیط زیست در برنامه‌های پنج‌ساله‌ی توسعه‌ی کشور و ارائه‌ی راهکارهای مناسب برای اجرای آموزش محیط زیست، فصلنامه‌ی آموزش محیط زیست و توسعه‌ی پایدار، سال اول، شماره‌ی اول: ص ۴۰-۲۹.
۷. شمس، مجید و ملک حسینی، امید. (۱۳۸۹). بررسی لزوم احداث شهر جدید در اطراف شهر کرمانشاه، فصلنامه‌ی علمی- پژوهشی جغرافیای انسانی، سال دوم، شماره ۳.
۸. صالحی، صادق و امام قلی، لقمان. (۱۳۹۱). سرمایه‌ی فرهنگی و رفتارهای زیست محیطی (مطالعه‌ی موردی: استان کردستان)، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال هشتم، شماره ۲۸: ص ۹۱-۱۱۷.
۹. صالحی، صادق و پازوکی نژاد، زهرا. (۱۳۹۳). تحلیل عوامل اجتماعی مؤثر بر نگرش و عملکرد زیست محیطی دانشجویان، جامعه‌شناسی کاربردی، سال ۲۵، شماره ۳: ص ۷۱-۸۸.
۱۰. صالحی، صادق (۱۳۸۹). نگرش جدید نسبت به محیط زیست و مصرف انرژی، فصلنامه‌ی انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات، سال ششم، شماره ۲۰: ص ۲۱۶-۱۹۸.
۱۱. ضیا پور، آرش؛ کیانی پور، ندا و نیک بخت، محمدرضا. (۱۳۹۲). تحلیل جامعه‌شناختی محیط زیست و رفتار افراد نسبت به آن در مناطق روستایی و شهری استان کرمانشاه، فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه‌ی پایدار، سال اول، شماره‌ی ۲: ص ۶۷-۵۵.
۱۲. عقیلی، سید محمود؛ خوشفر، غلامرضا و صالحی، صادق. (۱۳۸۸). سرمایه‌ی اجتماعی و رفتارهای زیست محیطی مسئولان در شمال ایران، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، جلد شانزدهم، شماره‌ی ۱ الف، ص ۱-۱۶.

۱۳. فاضلی، محمد و جعفر صالحی، سحر. (۱۳۹۲). شکاف نگرش، دانش و رفتار زیست محیطی گردشگران، مطالعات مدیریت گردشگری، سال ۸، شماره ۲۲: ص ۱۶۱-۱۳۷.
۱۴. فرهنگ، مهناز؛ شکوئی فر، کاوه و سیارخلج، حامد (۱۳۹۲). بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر رفتارهای زیست محیطی (مطالعه‌ی موردی: شهروندان شهر یزد)، مجله‌ی مطالعات شهری، سال چهارم، شماره ۱۰: ص ۱۴۱-۱۰۹.
۱۵. قرخلو، مهدی و فرجام، رسول. (۱۳۸۰). ساماندهی و استقرار بینه‌ی صنایع و کارگاه‌های مزاحم شهری، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره چهارم، مهر ۱۳۸۰: ص ۷۱-۴۷.
۱۶. محقق داماد، مصطفی. (۱۳۸۰). الهیات محیط زیست، نامه فرهنگستان علوم، سال ششم، شماره‌ی ۱۷: ص ۳۰-۷.
۱۷. مختاری ملک آبادی، رضا؛ عبدالهی، عظیمه سادات و صادقی، حمیدرضا. (۱۳۹۲). تحلیل و بازشناسی رفتارهای زیست محیطی شهری (مطالعه‌ی موردی: شهر اصفهان، سال ۱۳۹۱)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، شماره‌ی ۱۸، ص ۲۰-۱.
۱۸. مهدوی، سید محمد صادق و وزیری، رویا. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش محیط زیستی دانشجویان علوم و تحقیقات در سال ۱۳۸۸، فصلنامه‌ی پژوهش اجتماعی، سال سوم، شماره‌ی ۷: ص ۴۸-۱۹.
۱۹. نواح، عبدالرضا و فروتن کیا، شهرزاد. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین کنش عقلانی و رفتارهای زیست محیطی مورد مطالعه جامعه شهری اندیشمک، فصلنامه‌ی محیط زیست، شماره ۵۱: ص ۷۸-۶۹.
۲۰. یزدخواستی، بهجت؛ حاجیلو، فتانه و علیزاده اقدم، محمدباقر. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین سرمایه‌ی فرهنگی بوم شناختی با ردپای بوم شناختی مورد مطالعه: شهرستان تبریز، فصلنامه اخلاق زیستی، سال سوم، شماره ۸: ص ۱۳۰-۱۰۱.
21. Chawla, L. (1998) significant life experiences revisited: a review of research on sources of proenvironmental sensitivity, the journal of environmental education, 29(3), pp. 11-21.
23. Duroy, Q.M.(2005). The determinants of environmental awareness and behavior, Working paper, department of Economics, Rensselaer Polytechnic Institute, from www.rpi.edu/dept/economics/www/workingpapers.
24. Fietkau, H. J. & Kessel, H.1981. Umweltlernen: Veraenderungsmoeglicheite n des Umweltbewusstseins. Modell-Erfahrungen (Koenigstein, Hain).
25. FISHBEIN, M. & AJZEN, I. (1975) Belief, Attitude, Intention, and Behavior: an introduction to theory and research (Reading, MA, Addison-Wesley).
26. Gebert, A.(2014). Recycling in Dubrovink: Discrepancies between attitudes, knowledge and behavior, RIThink,

Vol.4: 25-29.

27. Karp Gutierrez, D.(1996). Values and their effects on pro-environmental behavior, *Environment and behavior*, 29(1): 111-133.
28. Hines, G. M., Hungerford, H. R., & Toma, A. N. (1987), Analysis and synthesis of research on responsible environmental behaviour: A meta-analysis. *Journal of Environmental Education*.
29. Kairser, F.G. Wolfing, S & Fuhrer, U.)1999("Environmental attitude and ecological behavior". *Journal of Environmental Psychology*, 19: 1-19.
30. Kollmuss , A. and Agyeman J. (2002). Minding the gap: why do people act environmentally and what are the barriers to pro- environmental behavior?, *Journal of environmental education research*, 8(3): 2002.
31. Milton, K. (1996). *Environmentalism and Cultural Theory*, Exploring the role of anthropology in environmental discourse, New York: Rutledge.
32. Ölander, F., & Thøgerson, J. (1995). Understanding consumer behavior as a prerequisite for environmental protection. *Journal of Consumer Policy*, 18, 345-385.
33. Pietikäinen, Johanna (2007). Slow Start at the Beginning of the Recycling Chain – How to Make Consumers Recycle Their Mobile Phones?, Master's Thesis, University of Helsinki, Faculty of Biosciences, Department of Biological and Environmental Sciences.
34. Poortinga, W., Steg, L., and Vlek, C.(2004). Vales, environmental concern, and environmental behavior, *Environment and Behavior*, 36(1): 70-93.
35. Salehi, S.(2010). *People and the environment*, LAP Lambert Academic publishing
36. Sanchez,M., and Lafuente, R.(2010). Defining and measuring environmental consciousness, *Revista Internacional De Sociologia*, 68(3): 731-755.
37. Sengupta, M., Das, J and Maji, P.(2010). Environmental awareness and environmental related behavior of Twelfth grade students in Kolkata: Effects of stream and gender, *Anwesa*, Vol.5: 1-8.